

زمین لرزه‌ای به قدرت ۴٫۲ در مقیاس امواج در زمین (ریشتر) روز شنبه شهر سرپل ذهاب در استان کرمانشاه لرزه‌اند. به گزارش ایرنا کانون این زمین لرزه در پنج کیلومتری شهر سرپل ذهاب بوده‌است. این زمین لرزه در قصر شیرین و گیلانغرب نیز احساس شد. روزیک شنبه نیز زمین لرزه‌ای به بزرگی ۳٫۵(ریشتر)ساعت ۱۳ وپنج دقیقه شهرستان سرپل ذهاب لرزه‌اند.

از میان خبرها

-
-
-

قتل مرد تیپ‌سوار با ضربات چاقو

سجادپور– مرد ۶۰ ساله‌ای با ضربات چاقو در مشهد به قتل رسید. به گزارش خراسان، صبح پنج‌م‌ فروردین ماموران انتظامی در تماس با قاضی ویژه قتل عمد از کشف جسد مرد ۶۰ ساله ای خبر دادند که با ضربات چاقو به قتل رسیده و جسدش در کنار کوره های جاده سیمان ها شده بود. با حضور قاضی کاظم میرزایی در محل کشف جسد، تحقیقات نشان داد که مقتول سوار بر خودروی تیپا بوده توسط فردی ناشناس به قتل رسیده‌است. این گزارش حاکی است، روز بعد خودروی تیپای مقتول در منطقه شهر ک شهید رجایی مشهد هنگامی کشف شد که خودرو به آتش کشیده شده بود. بررسی های بیشتر با صدور دستور اتی از سوی قاضی میرزایی همچنان ادامه دارد.

مرگ دلخراش مادر و کودک جیرفتی در حمام

توکلی – قاتل خاموش در سومین روز از فروردین جان مادر و کودک جیرفتی را در حمام خانه گرفت.
دادستان عمومی و انقلاب شهرستان جیرفت گفت: مادر جوان جیرفتی که به همراه فرزند خر دسالش به حمام رفته بود به علت نشتی و تجمع گاز و مسمومیت با گاز منواکسید کربن در حین استحمام در روستای جنگل آبادیان شهرستان جان باختند. به گزارش خبرنگار ماقاضی حسین سلامی با بیان این که خفگی ناشی از مسمومیت با گاز منواکسید کربن باعث مرگ مادر ۲۴ ساله و کودک کش شد افزود: در این زمینه پرونده برای تحقیقات تکمیلی در شعبه بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان جیرفت تشکیل شده‌است.

عامل قتل ((نگشتر فروش)) دستگیر شد

سادگی –نوجوان ۱۶ ساله ای که متهم است انگشت فروش مشهدی را با ضرب به چاقو به قتل رسانده با صدور دستور قضایی دستگیر شد. به گزارش خراسان، این حادثه ساعت ۳ بامداد هفتم فروردین هنگامی رخ داد که مشاخره ای بین مغازه‌ها در ۱۷ ساله و چند نوجوان عرب زبان در خیابان طبرسی مشهد آغاز شد. در این میان مغازه دار مذکور با ضرب به چاقوی نوجوان ۱۶ ساله به قتل رسید که دقایقی بعد وی توسط پلیس دستگیر و به اداره جنایی آگاهی خراسان رضوی انتقال یافت. تحقیقات در باره چگونگی ماجرای این جنایت با دستور قاضی کاظم میرزایی (قاضی ویژه قتل عمد مشهد) ادامه دارد.

افشای معمای یک جنایت در مشهد

سجادی – مردی که همسرش را به قتل رسانده بود بعد از گذشت دو ماه از وقوع جنایت در مشهد اعتراف کرد. به



گزارش خراسان این فرد که «محمد» نام دارد در تحقیقات پلیسی به قاضی میرزایی (بازپرس سو ویژه قتل عمد) گفت: همسر م را به دلیل پیامک بازی با پسری در یکی از مراکز تجاری مشهد به قتل رساندم. او مدعی شد: همسر با آن جوان رابطه داشت و من باها به او تذکر دادم تا این که مجبور شدم او را به پناهانی ای به زمین های کشاورزی بکشانم و با ضربات چوب و چاقو به قتل برسانم. وی ادامه داد: سپس جسد اردون چاه انداختم! گزارش خراسان حاکی است، با اعترافات متهم و حضور قاضی شعبه ۲۱۱ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد جسد زن ۳۲ ساله که سمانه نام داشت در حالی از چاه بیرون کشیده شد که آثار ضرب به چاقو روی پیکرش نمایان بود.

دستگیری قاتل فراری حین سرق ت مسلحانه احشام

کرمانی – پلیس رودبار جنوب به فرار چهار ساله قاتل مسلح پایان داد. فرمانده انتظامی «رودبار جنوب» گفت: باتالش ماموران پاسگاه انتظامی_ عملیاتی نهضت آباد فردی که به دلیل نزاع و درگیری منجر به قتل، از چهار سال قبل سرق تعقیب پلیس بود دستگیر شد. به گزارش خراسان سرهنگ 'رضافرورزخ' افزود: قاتل که خود را به روش های گوناگون از دستان قانون مخفی کرده بود با اقدامات پیچیده اطلاعاتی توسط ماموران انتظامی، در شب هنگامی که در حال سرق ت مسلحانه احشام بود دستگیر شد. وی خاطرنشان کرد: متهم در بازجویی های انجام شده به صراحت به جرم خود اعتراف کرد که پس از تکمیل تحقیقات به مرجع قضایی تحویل شد. وی در پایان با اشاره به پیشمیان قاتل را به عمل خود اظهار کرد: فقدان مهارت های لازم در تصمیم گیری در هنگام خشم و عصبانیت منجر به بروز این اتفاق شوم شد که یک فرد را به آغوش سرد خاک سپرد و فرد دیگر را نیز با آینده ای تباه مواجه ساخته است.

۳ کشته و زخمی در حادثه معدن همکار راور کرمان

توکلی– ریزش معدن همکار در راور کرمان یک کشته و دو زخمی بر جا گذاشت. به گزارش خبرنگار ما بر اثر ریزش یکی از کارگاه های معدن همکار شهرستان راور سه معدنکار دچار حادثه شدند که یکی ازها جان خود را از دست داد و دو نفر دیگر زخمی شدند.

رئیس شورای کارگری معدن همکار در این زمینه اظهار کرد: در این حادثه معدنی که روز شنبه هفته جاری رخ داد یکی از معدنکاران به نام «مفرزاد» به دلیل شدت جراحت در همان دقایق اولیه جان خود را از دست داد. وی افزود: یکی از مصدومان در محل درمان و دیگر مصدوم این حادثه به بیمارستان راور منتقل شد و هم اکنون وضعیت وی مساعد و تحت نظر است. این گزارش حاکی است: جزئیات وقوع حادثه توسط دادستان شهرستان راور در حال بررسی است.

زمین لرزه‌ای به قدرت ۴٫۲ در مقیاس امواج در زمین (ریشتر) روز شنبه شهر سرپل ذهاب در استان کرمانشاه لرزه‌اند. به گزارش ایرنا کانون این زمین لرزه در پنج کیلومتری شهر سرپل ذهاب بوده‌است. این زمین لرزه در قصر شیرین و گیلانغرب نیز احساس شد. روزیک شنبه نیز زمین لرزه‌ای به بزرگی ۳٫۵(ریشتر)ساعت ۱۳ وپنج دقیقه شهرستان سرپل ذهاب لرزه‌اند.

زمین لرزه

سرپل ذهاب دوباره لرزید

ماجرای تلخ ستایش با «ندا کوچولو» تکرار شد

اعترافات هولناک «زالوی کثیف»

معاینات اولیه جسد علت مرگ را انسداد راه تنفسی (خفگی) اعلام و اظهار کرد، دختر خردسال با توجه به کبودی روی گونه اش توسط فردی میان سال به قتل رسیده‌است اما او در عین حال علت دقیق مرگ و همچنین احتمال آزار واذیت دختر کرا به انجام معاینات بیشتر در پزشکی قانونی موکول کرد.
گزارش اختصاصی خراسان حاکی است، دقایقی بعد و با اتمام تحقیقات میدانی در محل کشف جسد، قاضی شعبه ۲۰۸ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد به هم ران این میان یکی از اهالی که می‌دانست هیچ کدام از همسایگان زنده هایشان را در مسیر هگذران نمی گذارند، با کنجکاو ی به سوی کیسه مذکور رفت اما بدین پیکر بی جان کودکی خردسال، وحشت زده از کیسه فاصله گرفت و در حالی که دستانش به لرزه افتاده بود تلفن همراهش را از جیب بیرون آورد و با پلیس ۱۱۰ تماس گرفت.
دقایقی بعد اهالی خیابان شهید غلامی ۸، رهگذران و برخی ساکنان های اطراف در محل تجمع کردند.
خودروی کیسه پلیس آژیر کشان وارد منطقه شد و لحظاتی بعد نوار نارنجی رنگ «ورود به صحنه جرم ممنوع!» بین مردم محل کشف جسد فاصله نداشت.
نیروهای انتظامی با دیدن جسد دختر بچه ای خردسال که درون دو کیسه قرار داشت، مراتب را به بازپرس ویژه قتل اطلاع دادند.
مقر به های ساعت به نیمه شب نزدیک می شد که قاضی «علی اکبر احمدی نژاد» به همراه عوامل بررسی صحنه جرم، پزشک قانونی و کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی به صحنه کشف جسد رسید و بدین ترتیب تحقیقات در باره چگونگی وقوع این جنایت آغاز شد اما هنوز مدت زمان زیادی از این ماجرا نگذشته بود که مردی وحشت زده، به محل حادثه رسید. او که کارگر ساختمانی بود با دیدن پیکر بی جان فرزندش به طور ناگهانی دچار شوک شد.
به دستور قاضی، کارآگاهان او را به گوشه دیگر خیابان انتقال دادند اما متجمع زیاد مردم در محل، اقدامات قضایی و پلیسی را با مشکل روبه رو کرده بود. مردم چاه کن با دیدن چشمان نیمه باز دخترش، تصور می کرد او هنوز زنده است به همین دلیل فریاد می زد اگر او را به بیمارستان برسانید، زنده نمی ماند؟ بهتر نمی شود؟ گریه های دلخراش را می گویند ای بود که قاضی و کارآگاهان هم نمی توانستند چهره غمگین خود را از این حادثه تلخ پنهان کنند.
با اشاره مقام قضایی اهالی محل مرد را به خانه اش که در خیابان شهید غلامی ۴ بود رساندند و بعد از آن تحقیقات قضایی در زوایای تاریک این جنایت ادامه یافت.
چند دستمال کاغذی درون دهان دختر ک قرار داشت اما کشف های او درون کیسه نبود. عینک پلاستیکی قهوه ای رنگ که طبق آن نیز درون کیسه افتاده بود، حکایت از آن می کرد که قلاد کوچولو» دختر ۶ ساله افغانی به طرز فجیعی به قتل رسیده است.

دکتر ناصر غروبی (پزشک قانونی با تجربه خراسان رضوی) نیز که در محل کشف جسد حضور داشت با بازنگشت.
ابتدا فکر می کردم شاید نانوائی شلوغ است ولی آرام آرام اضطراب و نگرانی سراسر وجودم را فرا گرفت.
چشم به در خیاط دوخته بودم و هر چند لحظه داخل کوچه را می نگریستم تا این که دیگر طاقت نیاوردم و به طرف نانوائی حرکت کردم.
نانوا که مرا می شناخت گفت: دخترت مدتی قبل نان هایش را گرفت و به طرف خانه آمد! با حرف های نانوا دیگر یقین داشتم که حادثه ای رخ داده است! وحشت زده به این سو و آن سوی رفتم و از هر کسی درباره «دخترک زنبیل به دست» سوال می کردم ولی کسی از او خبری نداشت تا این که موضوع کشف جسد دختری کوچک در محل پیچیده وقتی به دو خیابان آن طرف تر از محل سکونتم رفتم، با پیکر بی جان «ندا» روبه رو شدم و به حال خودم گریستم!!

حرف های بغض آلود مرد افغانی، همه حاضران را تحت تاثیر قرار داده بود اما عده ای نیز با صحبت های درگوشی اواسرزش می کردند که چرادرختر کوچک را برای خرید نان بیرون فرستاده است!

بنابراین گزارش، با اظهارات «مرد چاه کن» مشخص شد که دخترک نان وزنبیل قرمز رنگ در دست داشته است و همین موضوع به سر نخ می برای ادامه تحقیقات تبدیل شد.
مقام قضایی و کارآگاهان اداره جنایی در حالی به بررسی های خود ادامه می دادند که عقر به های ساعت سپیده دم رانمود می دادند.
باتوجه به فاصله نزدیک و محل کشف جسد، تحقیقات شبانه به تجربه تلخ ماجرای «ستایش» در ورآمین گره خورد چرا که او نیز تقریباً با همین شیوه به قتل رسیده بود بنابراین قاضی احمدی نژاد با صدور دستورات



علی

احمدی

خراسانی

ویژه ای از کارآگاهان خواست بررسی های خود را در اطراف محل کشف جسد متمرکز کنند.
با این حال کم شدن زنبیل و نبود کفش های دخترک، در حالی ذهن افغانی و مقام قضایی را به جنایت در یک مخروبه یا لانه مجرمدی مشغول کرده بود که دو کیسه خاک آلود نیز نشان از سر نخ می داشت و آن ها به دنبال مکانی بودند که در آن کیسه های خاک آلود وجود داشته باشد.
به گزارش خراسان، جست وجوها تا نزدیکی صبح بی نتیجه ماند به همین علت قاضی ویژه قتل عمد و افسر پرونده در حالی برای ادای نماز و استراحتی کوتاه راهی منزل شدند که در آن جنایت وحشتناک، افکار آنان را به هم ریخته بود.

حساسیت و اهمیت ماجرا به حدی بود که چند ساعت بعد با صدور دستور ای سوی سرهنگ کارآگاه حمید به بخشواره (رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی) و راهنمایی های مقام قضایی برای بررسی مسیر حرکت دخترک، کارآگاه نجفی دوباره عازم شهرک شهید رجایی شد و بدین ترتیب تحقیقات با بررسی فاصله های زمانی با توجه به قدم های کوچک ندا برای رسیدن به منزل در حالی به صبح روز بعد کشید که احتمال سوار شدن دخترک به موتورسیکلت یا خودرو نیز وجود داشت اما برسی ها تا چند ساعت بعد این فرضیه را رد کرد و به همین دلیل تحقیقات میدانی دوباره در مسیر نانوائی ادامه یافت.
منازل مجرمدی و خالی از سکنه با مخروبه ها از مکان هایی بودند که تحت نظر پلیس قرار گرفتند اما نتیجه ای حاصل نشد تا این که عصر هنگام، نگاه کارآگاه

«ارتباط پنهانی» مردی را پای چوبه دار کشاند!

وقتی فهمید شوهرم آرام می دهد به من قول داد به هر شکلی که شده است او را تنبیه خواهد کرد تا دیگر به فکر آرام نریفتم.
سیامک که نقشه قتل شوهرم را کشیده بود، یک شب تا صبح به پارکینگ خانه مان پنهان شد و صبح زود به شوهرم که می خواست به محل کارش برود حمله کرد و او را به قتل رساند.
اما من به مرگ شوهرم راضی نبودم و حالا با قتل همسر سه فرزندم تبیم شده اند.
من فقط می خواستم سیامک شوهرم را گوشمالی بدهم تا دیگر من و بچه هایم را اذیت نکند.

سیامک - ۵۰ ساله - نیز در جلسه دادگاه ضمن تشریح جزئیات جنایت گفت: این زن طبق نقشه قبلی کلید یدک پارکینگ را در اختیارم گذاشته بود. شب

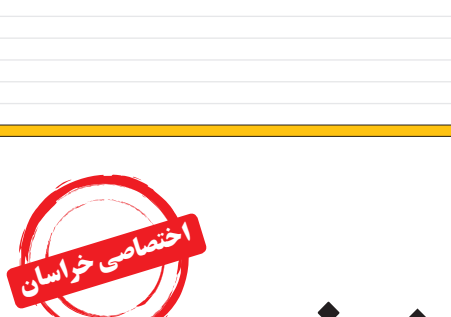
ایستاده است و به حرف هایم گوش می کند.
همین دیدار ما را بیشتر به هم نزدیک کرد. پس از مدتی

چوپان ساوه ای بود، از سوی کارآگاهان پلیس مورد شناسایی قرار گرفت و با نامه ریزی عملیاتی پلیس دستگیر شد.
سرهنگ اسدی اظهار کرد: قاتل دستگیر شده، پس از انجام تحقیقات تخصصی به قتل چوپان مد نظر به همراه دو نفر دیگر از دوستانش به انگیزه سرق ت احشام اعتراف می کرد که در روز و روز وقوع قتل با دوستانش به دلیل آن که پس از سرق ت احشام، از سوی چوپان مورد شناسایی قرار گرفته بودند، تصمیم به قتل او گرفتند و او را به داخل چاه عمیقی در اطراف شهر صنعتی می انداختند.
این مقام انتظامی در پایان گفت: تلاش برای دستگیری دو متهم فراری دیگر ادامه دارد.

مرگ جوان ۲۷ ساله، اظهار کرد: جسد این جوان

در روستای خوشکن کشف شد و مأموران آگاهی با فاصله وارد محل شدند تا قاتل یا قاتلان احتمالی را شناسایی و دستگیر کنند.
وی با بیان این که این جوان بر اثر بر خورد چاقو و خون ریزی زیاد جان خود را از دست داده بود، تصریح کرد: در بررسی اولیه مشخص شد مقتول با

حوادث



به در خیاط منزلی خیره ماند که همسایگان می گفتند این جا میوه فروشی است!!
بیان همین جمله بود که ذهن کارآگاه را به جمله مقام قضایی گره زد!
«به دنبال کیسه های خاکی بگردید!» افسر پرونده بلافاصله از لای در نگاهی به درون خیاط انداخت.
پیاز، سیب زمینی، گوجه، خیارو... در کنار خیاط قرار داشت.
بالن که میوه ها فاسد شدنی بودند اما فروشنده از روز قبل فروش میوه را تعطیل کرده و در خیاط را بسته بود!
لحظاتی بعد کارآگاه (رئیس اداره جنایی آگاهی) به تکمیل تحقیقات پرداخت ولی بنا به گفته اهالی، میوه فروش مذکور متاهل و دارای سه فرزند خردسال بود!
با وجود این کارآگاه باصرار رئیس اداره جنایی و صدور دستوری از سوی سرهنگ زرمخواه، همه افراد و تحقیقات خود را روی همین مظنون متمرکز کرد چرا که بررسی دیگر شاخه های اطلاعاتی نیز به این محدوده می رسید.
گزارش خراسان حاکی است با دستور قاضی «احمدی نژاد» کارآگاهان در پوشش نامحسوس منتظر ورود ساکنان این منزل مسکونی ماندند تا این که چند ساعت بعد اعضای خانواده و برخی از بستگان آنان وارد منزل شدند اما مظنون اصلی در میان آن ها نبود.
عملیات به صورت سری ادامه داشت تا این که چند دقیقه بعد میوه فروش ۴۱ ساله نیز کلید را روی در خیاط انداخت اما قبل از آن که وارد اتاق شود، حلقه های قانون در دستانش گره خورد!

او که سعی می کرد خون سردی خود را حفظ کند فریاد می زد چی شده! اشتباه گرفتید! و به مقاومت در برابر ماموران پرداخت اما دیگر چاره ای جز تسلیم داشت.
کارآگاهان او را به درون خودرو هدایت کردند و به بازجویی پرداختند.
متهم که ع- الف) نام دارد همه را های گریز را در حالی بسته می دید که کارآگاهان مدارک آنکارا بنایدی را می دادند.
به گزارش اختصاصی خراسان او دقایقی بعد دست از سماحت برداشت و راز این جنایت هولناک را فاش کرد.
متهم ۴۱ ساله گفت: وقتی دخترک را دیدم به چشم نام خبی زیبا!!! او بلوز و شلوار به تن داشت که از او خواستم مقداری غذا را از منزل مرم برای خودشان ببرد! با این ترند دختر افغانی را به منزل بردم.
من مواد مصرف کرده بودم که او را آزار دادم. دخترک گریه می کرد و من به خاطر آن که صدای فریادش را نشنوند دستمال کاغذی ها را در دهانش گذاشتم ولی او می گفت موضوع را به مادرش خواهد گفت.
من هم کتر رسیدم و دم دختر بچه را خفه کردم.
سیس کیسه ای میوه را برداشتم و جسد او را به خیابان شهید غلامی ۸ ردم و او را کچه انداز به پشت مرد که به زالوی کثیف در میان اهالی محل معروف شده است در ادامه اظهاراتش گفت: زنبیل حاوی نان تافتون را نیز به پشت بام منزل یکی از همسایگان در خیابان شهید غلامی ۹ انداختم و میایی های آبی رنگ او را نیز به پشت بام منزل خود پرت کردم!
این گزارش حاکی است، با اعترافات هولناک «زالوی کثیف» کارآگاهان با صدور دستوری از سوی رئیس پلیس آگاهی و کسب مجوزهای قضایی دوباره به محل وقوع جنایت رفتند و کشف هارا به همراه انبیل حاوی نان کشیدند کردند.
تحقیقات بیشتر در این باره از سوی قاضی احمدی نژاد (بازپرس ویژه قتل عمد مشهد) همچنان ادامه دارد.

در امتداد تاریکی

سراب در قمار عشقی...

هنوز هم باورم نمی شود که یک نگاه خیابانی زندگی ام را طوری به تباهی کشید که امروز نه تنها در پی این ارتباط واهی به اصطلاح عاشقانه دچار گناهان بزرگی شده ام بلکه هستی و آینده ام را نیز با دست خودم نابود کرده ام و اکنون حیران و سرگردان به دنبال راه چاره ای هستم تا از این وضعیت نکبت بار رهایی یابم...

زن جوانی که مدعی بود هستی خود را در سراب یک قمار عشقی باخته است در حالی که بیان می کرد پناهگاهی جز قانون برآیم باقی نمانده به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری (۲۴) میرزا کوچک خان مشهد گفت: در کلاس دوم دبیرستان تحصیل می کردم که به پاسر عمومی نانتی ام ازدواج کردم. او شغل آزاد داشت اما همواره بیکار بود. وقتی مراسم خواستگاری بر گزار شد چاره ای هستم شد که در طول یک سال همه لوازم زندگی را خریداری کند و با فراهم شدن مقدمات، زندگی مشترکمان را آغاز کنیم اما او نتوانست به تعهد خودش عمل کند و دوران نامزدی ما طولانی شد به طوری که نتوانشتم این وضعیت و سرزنش های اطرافیان را تحمل کنم این گونه بود که در آخرین روزهای سومین سالگرد برگزاری مراسم عقد کنار همه مهریه و حق و حقوق را به «فرقان» بخشیدم و از او طلاق گرفتم.
با وجود این به تحصیلات ادامه می دادم تا این که در یکی از رشته های کارشناسی آموزشی، وارد دانشگاه شدم. هنوز چند روز بیشتر از ثبت طلاق نگذشته بود که به همراه مادرم برای خرید تخت خواب وار دیک فروشگاه سرویس چوب شدیم، شاگرد فروشنده که جوانی خوش برخورد بود با یک لیخند و نگاهی عاشقانه فکر کرد با هم ریخت خود هم نفهمیدم که چگونه عاشقش شدم اما از آن لحظه به بعد ارتباط پنهانی من و «ساسان» آغاز شد و من به دور از چشمان پدر و مادر تا پاسی از امداد با وی وقت می کردم. از آن روز به بعد او صبح ها مرا به دانشگاه می رساند و بعد از اتمام کلاس هاتا پاسی از شب با هم بودیم. این ماجرا حدود یک سال ونیم طول کشید تا این که روزی به طور اتفاقی فهمیدم ساسان متاهل است و یک کفرزند کوچک نیز دارد.
از یک مشاخره طولانی او چند تصویر از طریق شبکه های اجتماعی برآیم فرستاد که در حال اثاث کشی بود. ساسان ادعا می کرد از همسرش طلاق گرفته و این به من تصاویر همسرش است که چیزی به اش را می برد. با این حرف ها دوباره خام شدم و یک سال دیگر به این ارتباط احمقانه ادامه دادم ولی او هیچ گاه شناسنامه اش را به من نشان نداد و هر بار به بهانه ای مرادست به سری می کرد در حالی که هنوز نسبت به حرف های او تردید داشتم و روزی که تلفن همراش خاموش بود به منزلش رفتم و با کمال تعجب همسر و فرزندش را دیدم که در آن چازندگی می کردند. در همین روزها اتفاق جدیدی در زندگی ام رخ داد و من به پیشنهاد پدر و مادرم به عقد پسر غریبه ای درآمدم که از من خواستگاری کرده بود اما یک هفته بعد از برگزاری مراسم عقد کنار دوبار ساسان سراغم آمد و با تهدید و گریه مرا وادار به طلاق کرد.
من هم با یک بهانه واهی از همسرم طلاق گرفتم و به رابطه ام با ساسان ادامه دادم ولی نکشید که فهمیدم باردار هستم به همین دلیل ساسان با همکاری همسرش مرا به منزل مجرمدی برد و چنین دوماهه ام را سقت کرد.
الان هم که ۱۰ ماهه از آن ماجرای گذرد حیران و سرگردان مانده ام تا شاید...

ماجرا واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

جنایت مسلحانه در خیابان



زن ۲۸ ساله در خیابان با شلیک مرد آشنا به قتل رسید. به گزارش میزان، سرهنگ کقیباد مصطفایی، جانشین فرمانده انتظامی استان کهگیلویه و بویراحمد، گفت: ساعت ۱۰:۳۰ صبح شنبه مردی ۲۷ ساله در یکی از خیابان های شهر دهبشت زن ۲۸ ساله ای را با اسلحه کلاشینکف به قتل رساند. وی افزود: قاتل بلافاصله دستگیر و اسلحه به کارفته نیز از او کشف شد. مصطفایی بیان کرد: براب تحقیقات ماموران، علت این قتل احتمالا اختلافات خانوادگی بوده است.

حمله مرگبار به همسر و مادر زن سر سفره هفت سین

بیست و نهم اسفند بود و هنوز دقایق زیادی از سال تحویل نگذشته بود که خبری هولناک به ماموران پلیس اطلاع داده شد. ماموران کلانتری ۱۰۶ نامجو از یکی از بیمارستان های حوزه استحفاظی خود با بازپرس کشیک قتلی پایتخت تماس گرفتند و خبر از کشته شدن زنی روی تخت بیمارستان دادند. مامور کلانتری که با بازپرس محسن مدیرروستا از دادسرای جنایی تهران تماس گرفته بود مدعی شد ساعت ۹ شب، مردی خمشنگین وارد خانه خود شده و پس از دیدن همسر و مادر زنش آن هارا با ضربات چاقو از پای درآورد است. این مامور همچنین مدعی بود ماموران انتظامی اورژانس سریع به محل اعزام شدند و با انتقال دو جسم بی جان مربوط به مادر و دختر به بیمارستان متوجه شده اند برای همسر مرد عصبانی هیچ کاری نمی توان کرد و او درتخت بیمارستان حدود ساعت ۱۰:۲۶ جان خود را از دست داده بود. بنابر گزارش ایسکانیوز، مادرزن متهم به همسر کشی نیز همچنان در بیمارستان بستری است و تحت مراقبت قرار دارد. طبق گفته مامور کلانتری ۱۰۶ نامجو انگیزه متهم اختلافات خانوادگی بود که همچنان در ایام تحویل سال نیز به قوت خودپایارجامانده بود. برای مشخص شدن علت اصلی فوت، جسد با دستور بازپرس شبیه شنتم دادسرای ناحیه ۲۷ تهران به پزشکی قانونی منتقل شده است. همچنین متهم به صورت قرار بازداشت موقت در اختیار ماموران اداره دهم آگاهی پایتخت قرار دارد.